

آقای پارسانیا با آن متانت و عمقی که دارند به خوبی از عهده‌ی اشکالات غیر محققانه ولی دلسوزانه‌ی آقای فیاض برآمدند

شماره پرسش: ۷۵۴۸

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۱۲/۸ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام علیکم. نظر جناب عالی در مورد مناظره دکتر فیاض و پارسانیا چیست؟ دکتر فیاض چند نقد اساس وارد کرده اند که بنده با توجه به متن مناظره مهم ترین نقد های دکتر فیاض را قرار میدهم: ۱- اخباری‌گری و ملاصدرا دو بال یک جریان انحطاطی در ایران است که هر دو به عرفان تقلیل می یابد. ۲- انقلاب اسلامی هیچ گاه بازتولید اندیشه صداریی نبوده است چرا که امام در همان اوایل جوانی اش از فلسفه ملاصدرا عدول کرده بود و به فلسفه اعتباری شیعه (که متأسفانه امروزه از آن خیلی غافل هستیم) که بر اساس اصول عملیه ی شیخ انصاری می باشد، رسید. ۳- مشروطه توسط انگلیسی ها آورده شد که دو فلسفه در این حوادث به نوعی شاخص اند که اولین شاخص آن فراماسونری می باشد که به شدت بر فلسفه ی ملاصدرا همت گذاشته اند؛ (یعنی میرزا حسین سپه سالار که مدرسه ی سپه سالار را بنیان می گذارد که فراماسونری را در آنجا ایجاد می کنند؛ و مدرسه ی دارالفنون)، و دومین جریانی که خود از دل فلسفه ی ملاصدرا به وجود می آید و کاملاً یک انقلاب دینی است، بهائیت می باشد. ۴- بعد از مشروطه اصولی هایی (آخوند خراسانی و علامه نائینی) که فلسفه ی ملاصدرا را با اصول شیخ انصاری قاطی کردند، یک نوع انحطاطی را رقم زدند و آن پیشرفتی را که از فلسفه اعتباری شیخ انصاری ایجاد شده بود را نابود کردند. به همین دلیل، هم امام و هم مرحوم علامه طباطبایی برای آنکه از این اندیشه عدول کنند و به فلسفه ی اعتباری برسند، این اندیشه را مورد نقد قرار دادند که چرا فلسفه ی ملاصدرا را با اصول فقه شیخ انصاری قاطی کرده اند. ۵- مشکل فلسفه ی صدرا را امروز اتفاقاً در تشخیص آیت الله جوادی آملی می توان دید که یک نگاه کاملاً محافظه کارانه نسبت به علم دارند و حتی علم جدید را کاملاً قبول کردند به قدری که حتی غربی ها آن را قبول ندارند، و معتقدند این علوم، علوم الهی هستند و نقصان غربی ها در این است که این علوم تقلیلی هستند و به مبدا توجهی نداشته اند. و به نظر من این نوع تفکر هیچ گونه نقادی نسبت به علم ندارند و در نتیجه دچار رکود خواهیم شد. ۶- مبنای انقلاب اسلامی، حکمت ابراهیمی است و آقای جوادی آملی با توجه به این همه تلاشی که می کنند دچار رکود هستند، چرا که فلسفه ی صداریی دوری است.....ملاصدرا ضد حکمت ابراهیمی است و اگر دقت کنیم خواهیم دید که از ذوقیات در کتاب اسفار بحث کرده است و به جای آنکه عرفان را برهانی کند، بر عکس برهان را عرفانی کرده است. در ضمن ایشان هانری کربن را، فراماسون و عضو سازمان جاسوسی فرانسه میدانند.

- باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم جناب آقای پارسانیا با آن متانت و عمقی که دارند به خوبی از عهده‌ی اشکالات غیر محققانه ولی دلسوزانه‌ی آقای فیاض برآمدند. از بی‌پایه بودن سخن آقای فیاض که می‌گویند امام در اوایل جوانی‌اش از فلسفه عدول کرده، همین که امام در آخر عمر به گورباچف نامه می‌نویسند و آن‌ها را به حکمت صدرایی دعوت می‌کنند. بنده یک نوع آشفتگی در سخنان آقای فیاض احساس می‌کنم و آن‌ها را به جهت عدم اطلاع کافی از مکتب صدرایی می‌دانم که جای بحث آن این‌جا نیست. خیلی عجیب است می‌گویند ملاصدرا به جای آن‌که عرفان را برهانی کند، برهان را عرفانی کرد! مگر این کار بد است که برهان‌های ما در عین آن‌که مبنای عقلی داشته باشد بتواند حقایق را مدّ نظر ما قرار دهد و مگر هنر حکمت متعالیه همین نیست که بتواند درک عقل و قلب را یکجا جمع کند؟ کتاب‌های دکتر سید مهدی امامی جمعه در این مورد نکات خوبی دارد. موفق باشید